



## معرفی کتاب چالش های تاریخ نگاری وارونه؛ نقدی بر مکتب تاریخ نگاری قفقاز

در دو سال اخیر سیر تحریفات تاریخ کشورمان توسط جمهوری آذربایجان وجه متفاوتی یافته و از سطح تحریف محتوای قرارداد ترکمنچای و ثبت شاعران و دانشمندان ایرانی به تحریف و مصادره سلسله های حکومت‌گر ایرانی رسیده است.

**زبان: فارسی و ترکی قفقازی**

**ناشر: انتشارات تمدن ایرانی**

**سال انتشار: 1394**

**بها: 45000 ریال**

**آران نیوز- موضوع تحریفات تاریخ و مصادره به مطلوب وقایع تاریخی توسط جمهوری آذربایجان در چند سال گذشته موضوع مورد بحث بسیاری از محافل ایرانی بوده است. در ده سال گذشته تقریباً سالی نبود که خبری از اقدامات سازمان یافته دولتی چه در یونسکو، چه در کتابهای درسی و دانشگاه پیرامون این مساله در خبرگزاری های ایران منتشر نشود.**

اقدامات این کشور تازه تاسیس در زمینه تحریفات تاریخی در دو حوزه رسمی یا دولتی و غیر رسمی صورت می‌گیرد. فعالیت حوزه رسمی در قالب کتاب درسی، دانشگاهها و آکادمی های دولتی و اخیراً فعالیت های رامیز مهدی اف دومین فرد قدرتمند این کشور چشمگیرتر از حوزه غیر رسمی است.

در دو سال اخیر سیر تحریفات تاریخی وجه متفاوتی یافته است و از سطح تحریف محتوای قرارداد ترکمنچای و ثبت شاعران و دانشمندان ایرانی به تحریف و مصادره سلسله های حکومت‌گر ایرانی رسیده است.

در این راستا ابتداء صفویه و سپس افشاریه توسط نهادهای دولتی باکو به عنوان امپراطوری های ترک آذربایجانی در چارچوب انگاره « آذربایجان تاریخی مستقل» مصادره شده و کتابهایی به چند زبان در این خصوص منتشر می شود.

هر چند این رویه مورد انتقاد و گاه تمسخر اساتید تاریخ ایران و محافل دانشگاهی است اما تا کنون پژوهش مدونی در خصوص ریشه‌یابی و چرایی آن صورت نگرفته است. انتشار کتاب «چالش های تاریخی نگاری وارونه؛ نقدی بر مکتب تاریخ نگاری قفقاز» که پژوهشی کوتاه از سالار سیف الدینی ( پژوهشگر اقوام و هویت) است به مثابه یک پیش درآمد «میان رشته‌ای» پیرامون این موضوع محسوب می شود. نویسنده کتاب در مقدمه تحقیق این سوال اصلی را طرح میکند که « درک متضاد از تاریخ مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان» از کجا نشأت می‌گیرد؟ در ادامه پس از ذکر روایت های مطرح شده از تاریخ مشترک، در محافل شبه علمی باکو از دهه چهل میلادی تا به امروز به سراغ ریشه‌یابی و کدگشایی این مکتب تاریخ نگاری در علوم سیاسی رفته و آنرا با الگوهای رایج ملت‌سازی تطبیق می دهد. نویسنده مدعی است که در باکو یک «مکتب تاریخ نگاری» از دهه 1940 تا به امروز فعال شده است که هدف آن ساخت زیر بنای تاریخی و فلسفی منحصر بفرد جهت ملت سازی است.

نویسنده سه محور اصلی را برای نقد و بررسی تاریخی در این پژوهش مورد بررسی قرارداده است. در موضوع نخست به مساله گزینش نام جمهوری آذربایجان برای مناطقی در شمال رود ارس می پردازد و به نامه نگاری های روشنفکران ایران و محمد امین رسولزاده در این خصوص استناد میکند.

در بخش دوم به موضوع اسطوره سازی قومی از «بابک خرم‌دین» و اصرار بر چهره سازی از او را «اسطوره‌پردازی قومی» و نیاز ملت‌سازان باکو برای خلق یک «قهرمان ملی» در این فرایند را میداند. نویسنده سپس با بررسی متون تاریخی دست اول تاریخی مانند تاریخ طبری، تاریخ الکامل ابن اثیر، سیاست نامه خواجه نظام و... به بررسی قیام بابک و ماهیت فراناچی ای آن اشاره کرده و در پایان متذکر می شود که بابک توسط سرداران ترک‌نژاد خلیفه معتصم کشته شده است. و نتیجه می‌گیرد که ارتباط تاریخی و روش شناختی چنین شخصیت تاریخی با آنچه که مد نظر ملت سازان باکو است اصولاً مفقود اما دستگاه تاریخ سازی در این کشور یک چهره کاملاً خیالی از بابک خرم‌دین برای مردم ساخته و مهم تر از آن قصد دارد این تخیل را به ایران نیز صادر کند.

محور سوم موضوع بحث در خصوص هویت صفویان است که در آثار « رامیز مهدی اف » ( دبیر شورای عالی امنیت ملی

جمهوری آذربایجان) تلاش شده است تا روایتی ترکی در چهارچوب انگاره «آذربایجان تاریخی مستقل» از این سلسله ارائه شود. نویسنده با مبنا قراردادن سه بُعد به هویت تاریخی صفویه پرداخت است. بعد درونی ( تلقی صفویان از خود) بُعد بیرونی ( تلقی سفرنامه نویسان اروپایی از صفویان) و منظرگاه دشمنان صفویه ( تلقی عثمانی‌ها از هویت صفویان) به بررسی موضوع پرداخته است.

استناد و مبنا کتاب برای داوری در این خصوص کتابهای دست اول تاریخی مانند تاریخ عالم آرای عباسی، عالم آرای شاه اسماعلی صفوی، احسن التواریخ حسن بیگ روملو و سفرنامه های ونیزی‌ها در ایران است.

به طور کلی به نظر می رسد رویکرد روشی نویسنده استفاده از منابع سنتی و دست اول تاریخی است تا دچار مباحث مربوط به سوگیری روش شناختی نشود.

بخش دوم کتاب، ترجمه همین پژوهش به خط و الفبای لاتین و زبان ترکی قفقازی است. نویسنده در پیشگفتار تاکید کرده است مردم آران و قفقاز به دلیل تغییرات مکرر و پی در پی الفبا، حتی قادر به خواندن کتابها یک نسل قبل خود نیز نیستند و این امر خود مانع راستی آزمایی ادعاهای دستگاه تاریخ نگاری وارونه از طرف مخاطبان می گردد در نتیجه حکومت باکو قادر است به راحتی هر تفکر غیرتاریخی را به نام تاریخ به مردمی که در «خلا تاریخی» زندگی کرده و از گذشته خود بی اطلاع هستند، تلقین نماید. الفبای منطقه در دوران سلطه روس‌ها به خط کریل و پس از فروپاشی شوروی به خط لاتین تغییر یافت. پیش از روسها نیز از خط فارسی- عربی در چاپ آثار این کشور استفاده می شد. بنابراین باید تاریخ واقعی و دست کم روایت ایرانی از تاریخ منطقه به گویش مردم این کشور برسد و آثار و پژوهش‌ها این حوزه تا جای ممکن به دو زبان منتشر گردد.